خراسان روزنامه صبح ایران
پنجشنبه ۳۰ مهر ۱۳۹۴ . ۸ محرم ۱۴۳۷ . شماره ۱۹۱۰۱

آمادگی مشروط «ریان» برای قبول رهبری جمهوریخواهان

«پل ریان» در جلسه جمهوریخواهان کنگره آمریکا اعلام کرد که فقط اگر ظرف یک هفته همه جمهوریخواهان کنگره از نامزدی وی برای تصدی پست ریاست مجلس نمایندگان حمایت کنند وی حاضر است در این رقابت شرکت کند. پیش از ریان نیز نام «کوین مک کارتی» برای جانشینی بینر اعلام شده بود که مخالفت کمیته آزادی باوی نیز موجب شد تا مک کارتی از تصمیم خود برای ریاست جمهوریخواهان در مجلس نمایندگان منصرف شود.

تحلیل هفته

"قبلا این کار را در افغانستان کرده‌ایم"

رئیس کمیته نیروهای مسلح سنای آمریکا می گوید واشنگتن باید مخالفان دولت سوریه را به موشک‌های زمین به هوا مجهز کند. به نوشته خبرگزاری اسپوتنیک، وی که در واشنگتن در جمع خبرنگاران صحبت می کرد، در پاسخ به سوالی در مورد درخواست مخالفان برای دریافت موشک‌های زمین به هوای «استینگر» و اینکه آیا او موافق چنین درخواستی است، گفت: «قطعا، قطعا هستم.» در یک ماهی که از آغاز عملیات روسیه علیه مواضع داعش و دیگر گروه‌های تروریستی فعال در سوریه می گذرد، کارشناسان متعددی اعلام کرده‌اند که واشنگتن احتمالا برای مقابله با مسکو، به تجهیز بیش از پیش مخالفان روی خواهد آورد. آمریکا پیش از این در دهه ۸۰ میلادی نیز برای مقابله با حضور شوروی در افغانستان، گروه‌هایی را که بعدها طالبان و القاعده از میان آن‌ها سر برآوردند، به تجهیزات پیشرفته از جمله دوش‌پرتاب‌های استینگر مجهز کرد. مک کین در این مورد گفت: «ما قبلا این کار را در افغانستان کرده‌ایم. بعد از اینکه روس‌ها به افغانستان تجاوز کردند، ما به آن‌ها توانمندی زمین به هوا دادیم.» رئیس کمیته نیروهای مسلح سنای آمریکا افزود: «کار درست این است که ما به کسانی که آن‌ها را آموزش داده و تجهیز کرده و آن‌ها را برای مبارزه اعزام می کنیم، توانایی دفاع از خود را هم بدهیم. تا جایی که می دانم، این یکی از مبانی اصلی جنگ است.» اشاره مک کین به برنامه ۵۰۰ میلیون دلاری آژانس مرکزی اطلاعات آمریکا (سیا) برای آموزش مخالفان سوری است که این ماه به دلیل شکست آشکار، به کلی متوقف شد. قرار بود این برنامه به آموزش ۱۵۰۰۰ جنگجو منجر شود، اما نهایتا تنها ۱۲۰ نفر نیروتربیت کرد که اغلب آن‌ها ظرف چند روز یا کشته شدند یا فرار کردند و یا به القاعده پیوستند. تا دو هفته قبل تنها ۴ یا ۵ نفر از این افراد هنوز در میدان نبرد حضور داشتند. در پی شکست این برنامه، آمریکا تغییر راهبرد داده و قصد دارد به جای تربیت نیروی جدید، تروریست‌های حاضر در سوریه را بیش از پیش تجهیز کند. مک کین راست می گوید آمریکایی ها تجربه تجهیز تروریست ها به سلاح های پیشرفته را دارند. البته مشکل اینجاست که او همه ماجرا را تعریف نمی کند و تنها همان بخش از این تجربه را که دوست دارد تعریف می کند. مک کین به هیچ‌وجه نمی گوید که پایان چنین تجربه ای چه میزان برای آمریکایی ها خوش آیند بود. تجهیز تروریست ها به سلاح های پیشرفته نتیجه اش طالبان و القاعده بود. صدای چنین سیاستی هنگامی در آمد که هواپیماهای مسافربری آمریکا با برج های دوقلو در منهتن برخورد کردند و آن فاجعه را آفریدند. سلاح های پیشرفته آمریکایی ها بعدها در عراق و افغانستان هم علیه خودایشان به کار گرفته شد و تلفات زیادی را برای آنها به بار آورد. این روزها اخبار رسانه های مستقل از انتقال سلاح و تجهیزات پیشرفته آمریکایی به لیبی در مرزهای جنوبی اروپا حکایت دارد. صدای این تجربه جدید آمریکایی ها هنگامی در خواهد آمد که موشک های استینگر هدیه پنتاگون خطوط هوایی غربی را در اروپا نشانه بگیرد.

شکست استراتژی ها و بی نظمی جهانی

سایه سیاه کیسینجر بر تحولات خاورمیانه

دکتر علیرضا رضاخواه
a.rezakhah@khorasannews.com

هنری کیسینجر، وزیر خارجه اسبق آمریکا یکی از معدود افرادی است که نه تنها سیاست خارجی ایالات متحده که بسیاری از کشورهای جهان از خاور دور گرفته تا خاورمیانه، از آفریقا گرفته تا آمریکای لاتین سال‌هاست در گیر طرح ها و ایده های جاه طلبانه و البته شکست خورده اوست. وی به تازگی در مقاله ای که روزنامه "وال استریت ژورنال" آن را منتشر کرده، هشدار داده است که خاورمیانه در حال فروپاشی است. کیسینجر می نویسد: هنوز مناقشه بر سر طرح مشترک بین المللی برای اجرای توافق هسته ای ایران و غرب جهت حفظ ثبات خاورمیانه آغاز نشده بود که چارچوب ژئوپولیتیک منطقه شروع به فروپاشی کرد. او "مداخله" نظامی روسیه در سوریه را جدیدترین عوارض این فروپاشی می داند و تاکید می کند: "نقش آمریکا در خاورمیانه در حال از بین رفتن است، .... کاهش نقش آمریکا در منطقه موجب ورود نظامی روسیه در خاورمیانه شده است و... ایران به عنوان دشمن اصلی ما در منطقه دنبال احیای امپراتوری پارسی است". این صحبت های کیسینجر را می توان در ادامه سخنان پیشین او که در رابطه با فروپاشی نظم جهانی مطرح کرده بود تفسیر کرد. او در کتابش تحت عنوان نظم جهانی با تاکید بر "برآمدن قدرت های جدید در دنیا" می نویسد: نظم جهانی بر پایه سنت وستفالیایی رو به پایان است چرا که، سنت وستفالی نه در چین – که در طول تاریخ خود امر کز کائنات می دانست – وجود داشت، و نه در هند و نه در خاورمیانه. با این حساب، «قوانین بازی» برای مشارکت دادن چین، هند و کشورهای خاورمیانه در نظم جهانی خوب تعریف نشده، چون تعامل میان کشور ها بر اساس پیمان وستفالی فرض پذیرفته شده ای برای آن کشور ها نیست. لذا فروپاشی خاورمیانه را می توان بخشی از فروپاشی نظم جهانی دید که البته زودتر از دیگر مناطق دنیا در حال رخ دادن است.

با این حال کیسینجر استاد پرت کردن حواس دیگران از حوادث تاریخی است. او به مفهوم وستفالی به عنوان سنگ بنای نظم غرب مدار اشاره می کند در حالی که هیچ سخنی از استراتژیست هایی که الگوهای ناقصی را برای چنین نظمی تدوین کردند به میان نمی آورد. استراتژیست هایی که همچون خود کیسینجر نقش پر رنگی در آشوب و بی ثباتی های امروز خاورمیانه دارند، افرادی چون «سر مارک سایکس" بریتانیایی و "فرانسوا ژرژ پیکوی" فرانسوی با طرح تقسیم امپراتوری عثمانی، جیمز مونروئه و دکترین حیاط خلوت در آمریکای لاتین، هانتیگتون و برنارد لوئیس با تزهایی چون جنگ تمدن ها و.... در گیری کیسینجر ۹۲ ساله با مسائل خاورمیانه سابقه ای طولانی مدت دارد. در دوران جنگ سرد نظمی که کیسینجر در خاورمیانه دنبال می کرد بر پایه دو ایده اصلی شکل می گرفت. اولی ژاندارم سازی در منطقه و دومی نظم بر اساس توازن قوا.

کیسینجر بر اساس ایده ژاندارم سازی، به شاه ایران نزدیک شد و تلاش کرد با تحریک دربار پهلوی و جاه طلبی های محمد رضا، ایران را به انبار تسلیحات نظامی آمریکا در منطقه تبدیل کند. ایده امپراتوری پارسی ذهنیتی بود که کیسینجر برای زمینه سازی پذیرش ژاندارمی منطقه خود در دوران پهلوی در آن می دمید. قرار بود شاه نقش پلیس آمریکا را در خاورمیانه و خلیج فارس بازی و امنیت انتقال انرژی را تامین کند. از سوی دیگر او تلاش کرد با پیش بردن ایده توازن قوا نوعی نظم را در بین کشورهای منطقه و همپیمانان آمریکا از اعراب گرفته تا اسرائیل شکل بدهد. کیسینجر خوب می داند بهترین نقشه ها چقدر آسان ممکن است به بیراهه برود و به سوی فاجعه متمایل شود.

وقوع انقلاب اسلامی در ایران رویاهای کیسینجر را بر باد داد. آمریکایی ها ژاندارم خود در منطقه را از دست داده بودند. اسرائیل موجودیت نامشروعی بود که نمی توانست چنین نقشی را ایفا کند. عربستان سعودی و یا ترکیه نیز عمق استراتژیک لازم برای چنین نقشی را دارا نبودند. لذا کیسینجر دست به دامان تئوری توازن قوا شد.

■ **سایه کیسینجر**

"گرگ گرندین" استاد تاریخ در دانشگاه نیویورک در کتاب اخیرش با عنوان «سایه کیسینجر» در این رابطه می نویسد: "پس از سقوط شاه، خاصه خرجی های تسلیحاتی کیسینجر نصیب حکومت انقلابی ایران شد، و میلیاردها دلار ناوگان جنگی، تانک، جت جنگنده، سلاح و دیگر تجهیزات به دست حکومت جدید افتاد. لذا بر اساس تئوری توازن قوا بایستی در منطقه جنگی صورت می گرفت تا از یک سو توان نظامی ایران تحلیل برود و از سوی دیگر کمک نظامی کشورهای غربی به رقبای ایران از جمله صدام حسین در منطقه توازن ایجاد کند.

نقل است کیسینجر درباره ایران و عراق گفته بود: «در دناک است که نمی توان اجازه داد هیچ کدامشان بازنده شوند»، اگر چه تایید این نقل قول دشوار است.

«ریموند تانتر» که در شورای وقت امنیت ملی آمریکا فعالیت می کرد گزارش می دهد که در یکی از جلسات توجیهی «رونالد ریگان» برای کاندیداتوری از سوی حزب جمهوری خواه در اکتبر ۱۹۸۰، کیسینجر اظهار داشت «ادامه جنگ بین ایران و عراق به نفع آمریکا است». کیسینجر که روی شاه شرط بسته بود (و باخته بود)، حالا امید داشت از یک جنگ بد بهترین نتیجه را کسب کند. او به «ریگان» توصیه کرد که ایالات متحده «باید روی ادامه مخاصمات سرمایه گذاری کند».

افزایش دیوانه وار کمک تسلیحاتی به عراق، حمله عراق به کویت را به همراه داشت. آمریکایی ها تصمیم گرفتند برای ایجاد دوباره توازن قوا یک جنگ دیگر طراحی کنند، جنگ اول خلیج فارس آغاز شد و همزمان با تخریب توانایی صدام، واشنگتن به متحدان منطقه ای خود یعنی اعراب خلیج فارس تسلیحات نظامی می فروخت. البته باز هم برای ایجاد توازن قوا مجبور بود انبارهای اسرائیل را هم از سلاح پر کند تا توازن میان اعراب و اسرائیل به هم نخورد.

این چرخه معیوب همچنان در منطقه ادامه دارد و هر از چند گاهی انباشت بیش از حد سلاح، جنگی تازه در خاورمیانه به راه می اندازد. همان اتفاقی که در جنگ های اسرائیل در لبنان و غزه روی داد، و همان چیزی که این روزها در یمن و سوریه شاهد آن هستیم. کیسینجر را ابدا نمی توان به تنهایی مسئول افتضاحی دانست که امروز خاورمیانه دچار آن است. بی شک، تجاوز «جورج بوش» به عراق در سال ۲۰۰۳ (که کیسینجر حامی اش بود) در این آشفتگی نقش دارد. اما مسئولیت او در عدم توازن قدرت این جهان مملو از تسلیحات بسی فراتر از تصور است.

اعلام بیعت سرکرده القاعده در شبه قاره هند با رهبر جدید طالبان

سرکرده شاخه جدید القاعده در شبه قاره هند برای مناطق آسیای جنوبی همزمان با آشکار شدن اختلاف ها بین طالبان افغان با «ملا اختر منصور» رهبر جدید این گروه اعلام بیعت کرد. این در حالی است که برخی از رهبران و فرماندهان مخالف رهبر جدید طالبان پس از تصرف چند روزه ولایت قندوز در شمال افغانستان تصمیم گرفته‌اند تا رقیب جدیدی را برای «ملا اختر منصور» انتخاب کنند. مولوی عبدالمنان نیازی، مولوی قیوم ذاکر، ملا حسن رحمانی و محمد رسول دو فرمانده طالبان و همچنین ملا عبدالرزاق وزیر کشور سابق طالبان با حمایت سید طیب آغا برای تشکیل گروه جدیدی تلاش می کنند. «ملا عاصم عمر» سرکرده القاعده در شبه قاره هندیکی از اعضای مدارس «دیوبندی»های پاکستان است. پیش از این، بسیاری از مردم و نهادهای مختلف پاکستان اظهار داشتند که از هویت وی هیچ اطلاعی ندارند. بر اساس اطلاعات به دست آمده از عاصم عمر رهبر جدید گروه القاعده در شبه قاره هند، وی بین ۴۰ تا ۵۰ سال سن دارد و دقیقا بر عکس رهبران جنگی شبه نظامیان آسیای میانه و جنوب جوان نیست. پس از مرگ «اسامه بن لادن»، الظواهری تلاش خود را برای بازسازی القاعده آغاز کرد و در این بین نگاه وی به آسیای جنوبی بیشتر معطوف بوده و اکنون نیز رابطه حسنه‌ای با مدارس و پایگاه‌های تحریک طالبان در پاکستان دارد. عاصم عمر در انتقال اسامه بن لادن به «سیف هاوس» واقع در شهر «ابیت آباد» پاکستان نقش مهمی داشت. عاصم عمر به شدت از تفکرات وهابی پیروی می کند و ۴ جلد کتاب در باره «جهاد و وهابیت» نوشته است. یکی از کتاب‌های وی در مورد «بلک واتر» که یک شرکت امنیتی خصوصی آمریکایی است، می باشد. همچنین عاصم عمر به چند زبان زنده دنیا مسلط است و کتاب‌های متعددی به زبان‌های «پشتو»، «ازبکی» و «عربی» ترجمه کرده است. تاکنون در خصوص اینکه آیا عاصم عمر در جنگ و درگیری های القاعده شرکت داشته یا خیر هیچ اطلاعاتی به دست نیامده و حتی محل سکونت وی نیز مشخص نیست و کسی از مکان اقامت او اطلاعی ندارد. ظاهرا عاصم عمر با گروه‌های تروریستی مستقر در «میانمار» و هندارتباط خوبی دارد.

رقابت خانوادگی

تلاش شاهزاده‌ها برای تغییر کادر رهبری عربستان

برای اولین بار از دهه ۱۹۵۰ رقابت ها و درگیری ها در خانواده سلطنتی عربستان بر سر قدرت که در دو هفته اخیر به وجود آمده، رسانه ای و در سطح عمومی مطرح می شود. روزنامه بریتانیایی گاردین و دیوید ایگناتیوس و نویسنده واشنگتن پست گزارش داده‌اند که یک شاهزاده ارشد در حال تهیه نامه ای برای برکناری ملک سلمان و پسر جنجالی اش، محمد بن سلمان، معاون ولیعهد است. سعودی هایی که روز چهارشنبه در کنفرانسی در واشنگتن شرکت کرده بودند، صحت این خبر را تایید کردند و گفتند حداقل از اوایل ماه سپتامبر یک نامه در این رابطه وجود دارد. هویت نویسنده این نامه مشخص نیست اما بنا بر گفته های فردی که یکی از نامه ها را دیده، محتوا و کیفیت استثنایی نثر عربی این نامه، لیست افرادی که می توانند آن را بنویسند محدود کرده است. نویسنده آن احتمالا یکی از برادران ویا برادران ناتنی پادشاه است. ایگناتیوس در این رابطه می نویسد که با نویسنده دو نامه صحبت کرده و وی را «شاهزاده ارشد» توصیف می کند که مایل است شاهزاده احمد بن عبدالعزیز ۷۳ ساله به جای برادرش ملک سلمان جایگزین شود. هم سلمان و هم احمد از اعضای خانواده سدیری، یعنی فرزندان همسر محبوب عبدالعزیز هستند.

مشکل از جایی شروع شد که سلمان در ژانویه و پس از مرگ برادرش ملک عبدا... به قدرت رسید. سلمان ۷۹ ساله، برادرزاده اش محمد بن نایف، وزیر کشور را به عنوان ولیعهد انتخاب کرد، اما پسرش محمد بن سلمان را هم به عنوان نایب ولیعهد معرفی کرد.

محمد بن نایف ۵۶ ساله از احترام زیادی برخوردار است و واشنگتن هم وی را به خاطر رهبری مبارزه با گروه های افراط گرا قبول دارد. انتخاب وی به عنوان ولیعهد نشان داد که گذار آرامی به حکام نسل جدید سعودی یعنی نوادگان بنیانگذار در حال اتفاق است.

با این حال موقعیت محمد بن سلمان داستان متفاوتی است. این گونه تصور می شود که وی در ۳۰ سالگی به عنوان نایب ولیعهد انتخاب شده که با حضور محمد بن نایف، تا زمانی که بالغ شود به پادشاهی نخواهد رسید. مسئله ای که وجود دارد این است که پدرش به وی قدرت فوق العاده زیادی داده است. او وزیر دفاع و مدیر کمیته قدرتمند روابط اقتصادی عربستان است که شامل تعیین سیاست های نفتی هم می شود.

در جامعه ای که سن برابر با عقل است، دادن قدرت زیاد به یک جوان منجر به ایجاد بحث و جدل می شود. به ویژه این که محمد بن سلمان آموزش رسمی محدودی داشته و هیچ دستاوردی نداشته است. برخلاف وی، برادران بزرگترش سال ها در حکومت فعالیت کرده اند. اکثریت اعضای کابینه سعودی مدرک دکترا از دانشگاه های ایالات متحده دارند، اما شاهزاده جوان در خارج از عربستان تحصیل نکرده و حتی در نیروهای مسلح هم خدمت نکرده است.

■ **انتقادهایی با نام مستعار**

جمعیت جوان عربستان به شدت در رسانه های اجتماعی حضور دارند و به نظر می رسد خانواده سلطنتی موضوعی مورد علاقه برای آنها باشد.

به ویژه منتقدی به نام مجتهد که با توییت هایش درباره شاهزادگان و فسادهایشان طرفداران زیادی دارد. با این حال مجتهد خبرنامه هایی برای حذف ملک سلمان و پسرش را منتشر نکرد و به نظر می رسد که به طور منتخب دست به انتشار اخبار می زند. محمد بن سلمان فردی پرحرارت، لجباز و ترش رو معرفی می شود. منتقدان همانند مجتهد همیشه ترجیح می دهند تا ناشناس بمانند، چون انتقاد عمومی از هر عضو خانواده سلطنتی می تواند منجر به محکومیت به زندانی طولانی مدت شود.

واقعیت این است که نارضایتی از محمد بن سلمان در خانواده سلطنتی نشان می دهد که رقبایش به شدت در این رابطه حساس هستند. اما معلوم نیست که آنها به جز امیدواری به اقدامات اشتباه از سوی این شاهزاده جوان، چه اقداماتی می توانند انجام دهند.

بر اساس قانون اعلام شده توسط ملک عبدا...، یک گروه از شاهزادگان ارشد که به عنوان شورای بیعت شناخته می شوند، قدرت تایید یا تغییر انتصابات را بر عهده دارند. اما تا زمانی که وی توانایی انجام وظایفش را داشته باشد، بعید است که ملک سلمان شورای مذکور را به منظور برکناری پسر مورد علاقه اش تشکیل دهد.

تبعات بین المللی سیاست های داخلی اردوغان

آمریکا از ترکیه فاصله می‌گیرد

تا همین چند سال پیش روزنامه های آمریکایی از اردوغان به عنوان نزدیک ترین مشاور اوباما و کاخ سفید در خاورمیانه نام می بردند. کسی که نه تنها به واشنگتن کمک می کرد تا فهم درست تری از تحولات منطقه داشته باشد بلکه در دیپلماسی غیر مستقیم آمریکایی ها نیز نقش پر رنگی داشت. اما ظاهرا این دوران طلایی به پایان رسیده است. رسانه ها می گویند این روزها کاخ سفید جواب تلفن های اردوغان را نمی دهد. برخی دلیل این تغییر رویه را تحولات داخلی ترکیه می دانند و برخی هم آن را به بحران سوریه و حمایت آمریکا از کردها مربوط می سازند. اما واقعیت این است که در عصر جهانی شدن تفکیک سیاست های داخلی و خارجی از یکدیگر امکان پذیر نیست.

■ **سیاست دو وجهی اردوغان**

این روزها و در آستانه انتخابات پارلمانی ترکیه اردوغان و حزب عدالت و توسعه تمام تلاش خود را معطوف به مشروعیت زدایی از "حزب جمهوری خلق ها" یعنی رقیب اصلی اردوغان در مناطق کردنشین کرده اند. پیروزی این حزب که برخی آن را شاخه سیاسی پ ک ک در ترکیه می نامند و ورودش به پارلمان ترکیه، مانع دستیابی حزب عدالت و توسعه به اکثریت مطلق پارلمانی شد. امری که می توانست جاه طلبی های سیاسی اردوغان را با مشکل رو به رو کند. از همین رو اردوغان انتخابات پارلمانی مجدد اعلام کرد تا شاید این بار بتواند با تخریب چهره حزب جمهوری خلق ها مانع از پیروزی مجدد آنها شود. استراتژی اردوغان برای این کار استفاده از برند تروریستی داعش برای سرکوب کردها بود. حزب عدالت و توسعه که پیوندهای عمیقی با داعش دارد، تلاش کرد تا از یک سو داعشی ها را به جنگ کردها در خیابان های ترکیه و استانبول بکشاند که نتیجه این سیاست را می توان در انفجارهای اخیر در گردهمایی های حزب جمهوری خلق ها دید، از سوی دیگر همین بمب گذاری ها بهانه ای شود برای آغاز یک جنگ جدید با کردها و پ ک ک، اقدامی که می تواند توامان با مشروعیت زدایی از حزب جمهوری خلق ها، حس ملی گرایی ترک ها را نیز به نفع اردوغان تهییج کند. از همین رو، داوود اوغلو نخست وزیر ترکیه روز ۱۴ اکتبر حزب کارگران کردستان (پ ک ک) را به همکاری با داعش در بمب گذاری های آنکارا متهم ساخت. این در حالی است که این نقشه حزب عدالت و توسعه این روزها نخ نما شده است.

■ **"آدیامان: مسیر جهادی ها به سوریه"**

در همین رابطه چنگیز کندار روزنامه نگار ترک می نویسد: "لحظه ای که داوود اوغلو این اتهامات را مطرح کرد نه تنها مظنون اصلی فقط داعش بود بلکه خبرنگاران توانسته بودند هویت بمب گذار انتحاری دوم را نیز پیدا کنند. پیشتر، بمب گذار اول به عنوان یکی از عوامل داعش شناسایی شده بود. اطلاعات کلیدی را یک خبرنگار جوان بنام ادریس اِمن کشف کرد. وی به اطلاعاتی دست یافته بود که نشان می داد شهر "آدیامان" در شرق ترکیه مرکز استخدام عناصر افراطی توسط داعش است. او اولین بار در ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۳ در مقاله ای برای روزنامه "رادیکال" تحت عنوان "آدیامان: مسیر جهادی ها به سوریه" به این موضوع پرداخت. اسامی که او در آن زمان اعلام کرده بود کسانی از آب در آمدند که حملات انتحاری دیار بکر در ۵ ژوئن، حمله سوروچ در ۱۹ ژوئیه و بالاخره آنکارا را در ۱۰ اکتبر بر عهده گرفتند. در پی حملات آنکارا، امن، در شهر آیدامان، با پدر بمب گذار انتحاری دوم آنکارا صحبت کرد. اگر چه او مقامات امنیتی ترکیه را در جریان جذب پسرش به گروه داعش قرار داده بود اما هیچ اقدام پیشگیرانه ای در این ارتباط توسط مقامات ترکیه صورت نگرفت. وقتی این گزارش ها در سطح وسیعی منتشر شد دولت ترکیه دستور ممنوعیت انتشار هر گونه گزارشی را در مورد بمب گذاری آنکارا، مادام که تحقیقات در جریان است، صادر کرد."

■ **اتحاد شکننده آنکارا – واشنگتن در سوریه**

سیاست های داخلی اردوغان تبعات بین المللی نیز به همراه داشته است. رجب طیب اردوغان روز ۱۴ اکتبر گفت: "از نظر ترکیه هیچ تفاوتی بین پ ک ک و دنباله اش حزب اتحاد دموکراتیک [کرد] سوریه و داعش وجود ندارد ... تمام آنها سازمان های تروریستی هستند و دستانشان به خون آلوده است." اردوغان در این سخنان با عنایت به این که رقیب اصلی اش یعنی حزب جمهوری خلق ها در ترکیه ادامه پ ک ک و حزب اتحاد دموکراتیک کردها در سوریه است این اتهام ها را وارد ساخت تا از آنها در عرصه داخلی استفاده کند. با این حال این رویکرد اردوغان وضعیت را برای آمریکا، در مورد سوریه، پیچیده می کند. آمریکا حزب کردهای سوریه را تروریست نمی داند بلکه بالعکس، کردها یکی از شرکای قابل اعتماد آمریکا در سوریه هستند. فهیم تاشکین تحلیل گر المانیتور در این رابطه می نویسد: اردوغان با این اقدام خود که کردهای سوریه را با داعش مرتبط می کند در تصادم با استراتژی آمریکا قرار می گیرد و حتی کار را برای ایجاد یک منطقه پرواز ممنوع در شمال سوریه مشکل می کند.

تحلیل رسانه ها

پوتین و واقع گرایی عملگرایانه

الجزیره: دولت روسیه انگیزه های متفاوتی برای مداخله در درگیری سوریه دارد که می توان به کمک به متحد قدیمی، دیده شدن مجدد به عنوان ابر قدرت در عرصه جهانی و ایجاد شرایطی که آمریکا و اتحادیه اروپا مجبور شوند به دیدگاه های روسیه خصوصا بر سر بحران اوکراین با احترام بیشتری بنگرند، اشاره کرد. استراتژی روسیه همچنین از تجزیه و تحلیل خاصی از شرایط در سوریه، منطبق با ترکیب واقع بینی عملگرایی و تجربه بیش از دو دهه از زمان سقوط کمونیسم ریشه گرفته است. تحلیل روسیه این است که استراتژی آمریکا برای تسلیح و تقویت "اپوزیسیون میانه رو" سوریه هرگز شانس موفقیت ندارد و اکنون نیز خود وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) آن را به عنوان استراتژی شکست خورده پذیرفته است.

رقابت در سوریه برای کسب پرستیژ

رویترز: آمریکایی ها استراتژی نظامی خود در سوریه را شکست خورده نامیده اند. حالا روسها آمده اند جای آمریکایی ها را پر کنند. رقابتی جدی برای کسب پرستیژ در سوریه در جریان است. حملات اخیر ارتش روسیه در سوریه موجب شده است که رقابت میان واشنگتن و مسکو که دشمنان سابق دوران جنگ سرد بودند، شدت یابد و تا غرب نیز حملات خود را در منطقه افزایش دهد.

به چالش کشیدن هژمونی دریایی آمریکا

اکونومیست: از زمان جنگ جهانی دوم، برتری دریایی آمریکا در آبهای جهان تنها یک بار از سوی اتحاد جماهیر شوروی به چالش کشیده شده است. اقدام اتحاد جماهیر شوروی برای به چالش کشیدن توان دریایی آمریکا موفقیت آمیز نبود. حتی برخی علت سقوط اتحاد جماهیر شوروی را تلاش آن برای به چالش کشیدن توان دریایی آمریکا عنوان کردند. این در حالی است که موازنه قدرت در آبهای آزاد جهان در حال تغییر است. پکن با ایجاد جزایر مصنوعی در دریای جنوبی چین، آمریکا را نگران کرده است. علاوه بر چین، اقدام روسیه در بهره گیری از توان نظامی دریایی برای هدف قرار دادن مواضع داعش در سوریه نیز موجبات نگرانی مقامات آمریکایی و غربی را فراهم کرده است. این روزها پکن و مسکو تلاش می کنند تا توان نظامی آمریکا را در دریا به چالش بکشند.

خشونت نتیجه طبیعی اشغالگری است

نشریه ویک: اسرائیل همچنان حمایت گسترده ایالات متحده که اکثرا از طریق وتو در شورای امنیت سازمان ملل است را در اختیار دارد اما نمی توان تا ابد روی این مسئله حساب کرد. ادامه یافتن اشغال توسط اسرائیل، بنیان سیاسی این حمایت را ضعیف تر خواهد کرد. خشونت نتیجه اجتناب ناپذیر اشغال قلمروی فلسطینی هاست. در حالی که اسرائیل ممکن است برای سال های متمادی قادر به حفظ قدرت باشد اما بدون حل و فصل واقعی مسئله در نهایت شکست خواهد خورد و این احتمال وجود دارد که تمام چیزهایی که ساخته بود، از بین برود. مشکلی که برای اسرائیل وجود دارد این است که اگر شورش ها و درگیری های کنونی افزایش یابد، تاکتیک وحشیانه برای مواجهه با آن منجر به منفور شدن اسرائیل در سطح بین المللی و به وجود آمدن آسیب های اقتصادی احتمالی خواهد شد.

مسکو به دنبال راه حلی فراگیر

الحیات: مسکو برای حل بحران سوریه ائتلاف هایی موازی را هم در عرصه میدانی و هم دیپلماتیک پیش می برد، ائتلاف چهارگانه ایران، عراق، سوریه و روسیه بر روی زمین و تلاش برای همسو کردن دشمنان منطقه ای سوریه برای مبارزه با داعش در عرصه دیپلماسی. مسکو روز دوشنبه اعلام کرد که تلاش هایی برای برگزاری نشستی با حضور وزرای امور خارجه آمریکا، روسیه و عربستان در جریان است تا در این نشست راه های حل بحران سیاسی سوریه بررسی شود و طرف ها به یک راهکار واحد برسند. در همین رابطه گفته می شود تماس هایی میان جان کری، سرگئی لاوروف و عادل الجبیر در جریان است تا این نشست هر چه سریع تر برگزار شود.

آگهی مجمع عمومی فوق العاده

بدینوسیله از سهامداران شرکت صنایع کاشی نیلوفر (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۴۰ و شناسه ملی ۱۰۳۶۰۰۱۱۰۱۱ دعوت می گردد در جلسه مجمع عمومی فوق العاده شرکت که در ساعت ۱۶ روز دوشنبه ۹۴/۸/۱۱ در محل دفتر شرکت تشکیل خواهد شد شرکت فرمایند.

دستور جلسه: افزایش سرمایه از محل مطالبات حال شده سهامداران و اصلاح ماده پنج اساسنامه

هیئت مدیره

۹۴۳۳۱۹۳۸/ج

آگهی تغییرات شرکت آسفالت طوس شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۰۳۸ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۶۷۸۵۳۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۴/۰۴/۲۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
۱- موسسه حسابرسی آبتین محاسب پارس به شماره ثبت ۳۶۲۶ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۶۲۳۶۱۴ به سمت بازرس اصلی و آقای محمد ولی حاکمی برآبادی با کد ملی ۰۷۶۹۱۴۱۹۶۱ به سمت بازرس علی البدل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند.
۲- روزنامه های کثیر الانتشار اطلاعات و خراسان جهت درج آگهی های شرکت تعیین شد.
۳- صورتهای مالی منتهی به سال مالی ۹۳ به تصویب رسید.
با ثبت این مستند تصمیمات تصویب ترازنامه و صورتهای مالی، انتخاب بازرس، انتخاب روزنامه کثیر الانتشار انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی های سازمان ثبت قابل دسترس می باشد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک خراسان رضوی
مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری مشهد

۹۴۳۳۱۴۶۵/ف